

ساختارشناسی رثای اهل بیت علیهم‌السلام در عصر عباسی

دکتر تورج زینی‌وند / کل ملک‌اله نظری

استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه / کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

رثای اهل بیت علیهم‌السلام در عصر عباسی، از مضمون‌ها و ساختارهای گوناگون و فراوانی برخوردار بوده است. اما آنچه که مضمون سوگنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام را از دیگر مرثیه‌ها، متمایز می‌سازد، عبارتند از؛ اهمیت یاد و خاطر اهل بیت علیهم‌السلام، جایگاه رسالت ایشان در جامعه، تبیین مسئله جانشینی و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، نقد حاکمان ستمگر و خودرأی و... .

در مرثیه‌های این دوره، مضمون‌هایی دیده می‌شود که منحصر به رثای اهل بیت علیهم‌السلام در این دوره بوده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به: پیوند رخداد کربلا به واقعه سقیفه، بشارت به ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، دفاع آشکار و شجاعانه از حقانیت ایشان، مسئله امید به شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌بهره ماندن قاتلان از این مسئله در روز قیامت و... اشاره کرد.

در مرثیه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در این دوره نیز دو نوع ساختار دیده می‌شود: ساختار تقلیدی و نوین. از ساختارهای تقلیدی و قدیم می‌توان به: استفاده از صور خیال گوناگون، استفاده از عنصر عاطفه، به‌کارگیری عنصر دعا و... اشاره نمود و از جمله ساختارهای نوین نیز می‌توان به: وقوف بر آثار و نشانه‌های برجای‌مانده از اهل بیت علیهم‌السلام، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: رثا، ادبیات متعهد به اهل بیت علیهم‌السلام، شیعه، عصر عباسی.

مقدمه

رثا یکی از شیوه‌های دیرینه زندگی انسان است که از دیرباز در شعر همه ملت‌ها با ویژگی‌های فرهنگی و زمانی گوناگون، یافت شده است؛ زیرا مرگ و آثار آن، در همه زمان‌ها و مکان‌ها بروز نموده، با تأثیر بر روح فرزندان آن سرزمین، سبب آفرینش آثاری در زمینه‌های ادبی و هنری شده است. رثا را ذکر منقبت‌های شخص از دست‌رفته، تعریف نموده‌اند و مشخصه بارز این غرض شعری را، بیان اندوه و ذکر نیکی‌ها و فضیلت‌های آن فرد دانسته‌اند. در شعر جاهلی، شاعرانی همچون مهلهل و خنساء، از مرثیه‌سرایان مشهور به شمار می‌آیند. ویژگی بیشتر ناله‌های سوگ در این دوره، چیرگی روح ناامیدی، افسردگی، پوچ‌گرایی و شیکوه بوده است.

با پیدایش اسلام و تحوّل‌ی که در اندیشه عرب‌ها پدید آمد، در شعر رثا نیز مانند دیگر غرض‌های شعری، نشانه‌هایی از تعهد و پایبندی به ارزش‌های قرآنی به‌ویژه اعتقاد به معاد، روز حساب و جاودانگی و... پدیدار شد. رثای شهیدان و مجاهدان و نیز سوگنامه‌هایی که از شاعرانی همچون حسان بن ثابت در رثای پیامبر ﷺ سروده شده است، از نمونه‌های برجسته شعر رثا در این دوره به شمار می‌آید.

در عصر اموی، رثا در شعر برخی از شاعران شیعی رنگ سیاسی، مذهبی و عقیدتی به خود می‌گیرد. نكوهش و انتقاد از امویان، بیان محبت و دوستی شاعران به خاندان نبوت و اظهار همدردی با آنان که از ماجرای سقیفه شروع شده و با شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام به اوج خود می‌رسد، در رثای شیعه، نمود ویژه‌ای می‌یابد. رنگ بیشتر رثای اهل بیت علیهم السلام در این دوره، بیان افسوس، حسرت، اندوه و گریه است.

مشهورترین سوگنامه‌سرایان اهل بیت علیهم السلام در این دوره، عبارتند از: ابوالاسود دثلی، قیس بن عمرو معروف به نجاشی، سلیمان بن قته، عقیبة بن عمرو السهمی، عمیر بن مالک بن حنظل معروف به ابوالرمیح و کمیت بن زید الأسدی.

این شعر متعهد در عصر عباسی از نظر محتوایی و ساختاری، دارای ویژگی‌های نوینی است که در پردازش موضوع، بررسی می‌شود.

پردازش موضوع

۱. تحلیل محتوایی رثای اهل بیت (ع) در عصر عباسی

همانگونه که گفته شد، رثای اهل بیت (ع) در دوره‌های مختلف فرازها و فرودهای گوناگونی داشته است که در عصر عباسی، گسترده‌تر و ژرف‌تر می‌گردد (ر.ک: سیاحی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۱-۴۲). رثای شیعی در این دوره، بیشتر بیانگر اندیشه دینی و انقلابی شیعه و شرح فلسفه مصیبت‌های اهل بیت (ع) است؛ در حقیقت شاعر مرثیه‌سرای شیعی در این دوره، شاعری است که با گریستن و دعوت دیگران به گریه، بر آن است وجدان‌های خفته را بیدار کند، عواطف انسانی را به خدمت بگیرد و انقلابی بیافریند که توده‌های مردم را بر دستگاه ستم بشوراند؛ از این رو در «ندبه» به شرح فضیلت‌های شهیدان (تأبین) و ستم‌هایی که بر ایشان رفته، می‌پردازد. هدف او، بیان اندوه و ناله و تشفی دل و اظهار بی‌تابی - مثل بیشتر مرثیه‌های عصر اموی - نیست، بلکه تشویق و هدایت مردم به مبارزه علیه ستم، هدف اساسی او است؛ به عبارت دیگر گریه شاعر، شیونی هدفمند و در جهت رسواساختن حاکمیت و سلطه ستم عباسیان است.

محتوا و مضمون رثای اهل بیت (ع) در این عصر را می‌توان به سه دسته، تقسیم کرد:

الف) مضمون‌های مشترک با شعر رثایی دیگر شاعران؛

ب) مضمون‌های مشترک با سایر انواع شعر شیعی؛

ج) مضمون‌های خاص شعر رثایی شیعه.

در ادامه به تحلیل و ذکر نمونه‌هایی از این مضمون‌ها می‌پردازیم:

۱-۱. مرگ و حیات

مرگ و زندگی از جمله مضمون‌های مشترکی است که در شعر مرثیه‌سرایان این دوره دیده می‌شود. شریف رضی (۳۵۹-۴۰۶ق) در بیانی حکمت‌آمیز، پایان زندگی

همه را مرگ می‌داند و بر این باور است که پایان هر بوستان سبزی، افسردگی و خزان است و انسان نیز روزی طعمه مرگ می‌شود:

غَايَةُ النَّاسِ فِي الزَّمَانِ فَنَاءٌ وَكَذَا غَايَةُ الْعُصُونِ الذَّبُولُ
إِنَّمَا الْمَرْءُ لِلْمَنِيَّةِ مَخْبُوءٌ ءُ، وَلِلطَّغْنِ تُسْتَجَمُّ الْخُبُولُ

(الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۶۳)

- پایان زندگی مردم در این جهان، نابودی است، و همچنین پایان بوستان سبز و خرم، پژمردگی است.

- به یقین هر انسانی، طعمه مرگ است، و اسب تازی، سرانجام هدف تیر و نیزه قرار می‌گیرد.

۱-۲. تحسّر و اندوه

حسرت و اندوه شاعران اهل بیت علیهم‌السلام، نشست گرفته از پیوند عاطفی و قلبی این شاعران با ایشان است؛ پیوندی که از اعتقاد مرید و مراد، حکایت می‌کند. از امام معصوم علیه‌السلام روایت شده است که شادی و اندوه شیعیان در گرو شادی و اندوه اهل بیت علیهم‌السلام است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أطلعَ الأَرْضَ فَأَخْتَارَنَا وَاخْتَارَلَنَا شِيعَةً يَنْصِرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ فِينَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۱۴).

این اندوه و حسرت به اندازه‌ای بوده است که برخی از ناقدان و تاریخ‌نگاران را بر آن داشته است شعر رئایی شیعه را شعر اندوه معرفی کنند (ضیف، ۱۹۶۳م، ص ۳۱۵) و دیگر جنبه‌های فکری و عقیدتی آن را که دارای اهمیت بیشتری بوده است، نادیده بگیرند. البته، این گفته شاید در مورد برخی مرثیه‌های عصر اموی، درست باشد، ولی در عصر عباسی، شاعران اهل بیت علیهم‌السلام تنها به گریه و اندوه بر مصیبت‌های اهل بیت علیهم‌السلام بسنده نمی‌کردند؛ بلکه همراه با بیان اندوه خود، دیگران را به آگاهی، بیداری و مبارزه علیه ستم فرا می‌خواندند. تحسّر و اندوه شاعران شیعه در این دوره

براساس آگاهی عقیده و مبتنی بر اندیشه خاصی است که این گونه در ژرفای وجود آنان تأثیر گذاشته است:

أَذُمُّ إِلَيْكَ الْعَيْنَ إِنَّ دُمُوعَهَا تَدَاعَى بِنَارِ الْحُزْنِ حِينَ تَوَهَّجُ
وَأَحْمَدُهَا لَوْ كَفَكَتْ عَنْ غُرُوبِهَا عَلَيْكَ وَخَلَّتْ لِأَعْجِ الْحُزْنِ يَلْعَجُ

(ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۶)

– من دیده‌ام را نکوهش می‌کنم اگر پیوسته سرشکش را بر آتش اندوه، زمانی که شعله‌ور است، بریزد تا آن را خاموش سازد.

– و آن را ستایش می‌کنم اگر جلوی اشک خود را بر تو بگیرد، و بگذارد شعله‌های سرکش اندوه، جان مرا به آتش بکشند.

این موضوع در شعر منصور نمری و دعبل خزاعی نیز آمده است (ر.ک: شبّر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹/ الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۱).

۳-۱. گریه و دعوت به آن

امام صادق (ع)، پاداش گریه بر امام حسین (ع) و گریاندن دیگران در مصیبت‌های آن حضرت را بهشت و آمرزش گناهان می‌داند: «مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبَكَى إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غُفِرَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۲۸۲).

شاعران متعهد شیعه نیز به پیروی از پیامبر (ص) و امامان (ع) به سرودن شعرهای اندوهناک و گریستن و گریاندن مخاطبان پرداخته‌اند. دعبل در تائیه معروفش، با آفرینش تصویری زیبا و خیال‌انگیز از حضرت فاطمه (ع) می‌خواهد بر مصیبت امام حسین (ع) اشک جاری کند. این درخواست شاعر از حضرت فاطمه (ع) در تأثیرگذاری بر عاطفه مخاطبان، نقش گسترده‌ای داشته است:

أَفَاطِمُ! لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانًا بِسَطِّ فُرَاتِ
إِذَنْ لِلطَّمْتِ الْخَدَّ، فَاطِمُ! عِنْدَهُ وَ أَجْرَيْتِ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ
أَفَاطِمُ! قَوْمِي يَا بِنَةَ الْخَيْرِ وَ أَتَدْبِي نُجُومَ سَمَاوَاتِ بِأَرْضِ فَلَاةِ

(الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۱)

- ای فاطمه! اگر روزی حسین علیه السلام را تشنه و کشته در کنار فرات می‌یافتی.
- بی دریغ در کنار او بر چهره می‌کوفتی و از دیدگان، سیلاب اشک جاری می‌کردی.
- ای فاطمه! ای دختر تمام خوبی‌ها! بر خیز و بر ستارگان آسمانی که بر صحرا افتاده‌اند، مویه کن.

دعوت به گریه در شعر دیگر شاعران شیعی این دوره نیز مطرح بوده است (ر.ک: الحمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۶ / دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵-۳۶).

۴-۱. شرح انگیزه‌ها

شاعران در این سوگنامه‌ها، انگیزه‌ها و هدف‌های اصلی مصیبت‌های وارد شده بر اهل بیت علیهم السلام را به گونه‌ای بیان می‌کنند که به معرفی درستی از خاندان رسول صلی الله علیه و آله و چهره واقعی دشمنان ایشان، می‌انجامد. این مضمون‌ها، با دیگر غرض‌های شعر شیعی مشترک است.

مهیاری دلمی در این بیت زیبا، در تحلیل این همه مصیبت و اینکه چرا هیچ چیزی مانع کینه‌توزی دشمنان نشده است، می‌سراید:

قَطِيعَتْ وَصَلَةُ النَّبِيِّ بِأَنْ تُقَطَّعَ مِنْ آلِ بَيْتِهِ الْأَوْصَالُ

(الدلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۸۷)

- گره و ریسمان اتصال خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله با او قطع شد؛ به این امید که دیگر حلقه‌ها از خاندان پیامبر از هم بپاشد و جدا گردد.

شریف رضی، دشمنی بنی‌امیه با پروردگار و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را سبب کشته‌شدن اهل بیت علیهم السلام می‌داند:

لَقَدْ عَلَّقُوهَا بِالنَّبِيِّ خُصُومَةً إِلَى اللَّهِ تُغْنِي عَنْ يَمِينٍ وَ شَاهِدٍ

(همان، ص ۴۱۲)

- آنها این ظلم را به سبب دشمنی با خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله نمودند، که این ادعا نیازی به قسم و آوردن شاهد ندارد.

۵-۱. بیان بزرگی مصیبت‌ها

به طور معمول، شاعری که در مرثیه خود به بیان عظمت فاجعه و اهمیت شخص از دست‌رفته می‌پردازد، دارای هدف‌هایی است؛ از جمله:

- جلب توجه دیگران و کسب همدردی؛

- توجیه خود و بازداشتن ملامتگران؛

- پرداختن به هدف‌هایی دیگر غیر از نوحه‌سرایی محض.

مورد سوم در مرثیه‌هایی که برای اهل بیت (ع) سروده شده است، بیشتر آشکار است. بسیاری از شاعران مرثیه‌سرای شیعی، در بیان عظمت مصیبت‌های اهل بیت (ع)، آسمان، زمین، کوه‌ها و دیگر عناصر طبیعت را در غم آنها اندوه‌بار و گریان می‌بیند.

ابوفراس (۳۲۰-۳۵۷ق) در بیت زیر، به توصیف رنگ خورشید در روز عاشورا و گریه خونین آسمان می‌پردازد:

يَوْمَ عَلَيْهِ تَغَيَّرَتْ شَمْسُ الضُّحَى
وَبَكَتْ دَمًا مِمَّا رَأَتْهُ سَمَاءُ
لَا عُذْرَ فِيهِ لِمُهْجَةٍ لَمْ تَنْفَطِرْ
أَوْ ذِي بُكَاءٍ لَمْ تَفُضْ عَيْنَاهُ

(الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۰)

- روزی که خورشید نیم‌روز، به سبب او تغییر کرد (تاریک گشت) آسمان از آنچه دیده بود، خون‌گریست.

- در آن روز برای هیچ جانی، عذر نیست [که از درد] نشکافد و برای انسان گریان، هیچ بهانه‌ای نیست که چشمانش اشکبار نباشد.

همین مفهوم در شعر دیگر شاعران شیعی نیز وجود دارد (ر.ک: الحمیری، ۱۴۲۰ق،

ص ۲۵/ الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۵/ الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۹).

۶-۱. تصویر رخدادهای تاریخی

نگرش کلی شاعران اهل بیت (ع) در سوگنامه‌های ایشان، بیان عظمت فاجعه، و به تصویر کشیدن ستم‌ها و مصیبت‌هایی است که بر ایشان رخ داده است، و هر اندازه

ابعاد این مصیبت، بیشتر بیان می‌شود، تحریک بیشتر احساسات و تشویق مردم را به دنبال دارد؛ از این رو در بیشتر مرثیه‌های سروده‌شده درباره اهل بیت (ع)، بیان عظمت فاجعه، ذکر رخداده‌ها و ستم‌هایی که بر آنان رفته است، برای آگاهی‌بخشی به مردم، به نظم کشیده می‌شود. برای نمونه، کافی است به قصیده مشهور شریف رضی که با مطلع زیر آغاز می‌شود، بنگریم:

كَرْبَلَا، لَا زَلَّ كَرْبًا وَبَلَا مَا لَقِيَ عِنْدَكَ آلُ الْمُصْطَفَى

در این سوگنامه، شاعر با زیبایی خاصی، صحنه‌هایی از رنج‌ها و دشواری‌های خاندان رسول (ص) را در سرزمین خشک و سوزان کربلا به تصویر کشیده است. ایشان با برانگیختن درست احساس و عاطفه مخاطبان، و پس از بسترسازی مناسب، به افشای چهره واقعی ستمگران می‌پردازد:

كَمْ عَلَى تُرْبِكَ لَمَّا صُرُّوا مِنْ دَمٍّ سَالٍ وَ مِنْ دَمْعٍ جَرَى
كَمْ حَصَانُ الذَّيْلِ يَرْوِي دَمْعَهَا خَدَّهَا عِنْدَ قَتِيلٍ بِالظَّمَا
تَمَسَّحُ التُّرْبَ عَلَى إِغْجَالِهَا عَنْ طَلَى نَحْرِ رَمِيلٍ بِالْذَّمَا

(الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۳)

- آن هنگام که بر زمین تو به خاک افتادند، چه بسیار خون‌هایی که بر خاک تو جاری شد و چه بسیار اشک‌هایی که [از دیده‌ها] فرو ریخت!
- چه زنان پاکدامنی که در کنار بدن شهید تشنه دشت کربلا، اشک دیدگان‌شان، گونه‌هایشان را سیراب گردانید!

- آن زنان پاکدامن، شتابان، خاک آغشته به خون را از گردن‌های بریده می‌زدودند.
شاعران دیگری، نیز رخداد غم‌انگیز کربلا را با چکامه‌هایی سرشار از بیداری و آگاهی و شور حماسی و اندوه، به تصویر کشیده‌اند (رک: شبّر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۰ / الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۶ / الذّیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۹).

۷-۱-مدح (تأیین)

مدح، یکی از بخش‌های تشکیل‌دهندهٔ مرثیه در همهٔ دوران‌ها بوده است؛ اما ساختار مدح در رثای اهل بیت علیهم السلام با مدیحه‌های دیگر شاعران، تفاوت دارد. شاعران متعهد در مرثیه‌سرایی اهل بیت علیهم السلام بیشتر به ارزش‌هایی پرداخته‌اند که بیانگر حقوق واقعی آنان در مورد خلافت و ذکر فضیلت‌ها و منقبت‌های ایشان بوده است. البته، این شاعران از بیان ارزش‌هایی همچون عفت، پاکدامنی، بخشنده‌گی و... که در دیگر مرثیه‌ها نیز وجود دارد، غافل نبوده‌اند.

دعبل در تأثیه‌اش که در تحلیل و بیان مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، به ذکر منقبت‌های امام علی علیه السلام و خاندان پاکش پرداخته، حقانیت آنان را اینگونه بیان می‌کند:

أَخَا خَاتِمِ الرُّسُلِ الْمُصَفَّى مِنَ الْقَذَى وَ مُقْتَرِسِ الْأَبْطَالِ فِي الْغَمَرَاتِ

(الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹)

- آن‌که برادر خاتم پیامبران است، کسی که از پلیدی پاک و مبرا است و آن‌که در جنگ‌های سخت و بی‌امان از هم‌درندهٔ قهرمانان و جنگاوران است.

این موضوع در شعر دیگر شاعران نیز مطرح بوده است (ر.ک: الدیلمی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۷۳/ الرضی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۹۶/ الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۰).

۸-۱. نکوهش و هجو دشمنان

شاعران شیعه در هجوهای که به همراه مرثیه‌هایشان آورده‌اند، انگیزه‌های سیاسی - مذهبی نیز داشته‌اند. هجا در مرثیه‌های شاعران شیعه در جهت تبیین اهداف قیام‌کنندگان در برابر حاکمان غاصب بوده است. معرّقی چهره زشت مخالفان و دشمنان، بیان شدت تنفر و انزجار خود از آنان، از شاخصه‌های اصلی چنین مضمون‌هایی بوده است.

منصور نمری با الهام از این سخن امام حسین علیه السلام که فرموده است: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَنِي بَيْنَ اثْنَتَيْنِ، بَيْنَ الذَّلَّةِ وَالسَّلَّةِ، هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» (ابن طاووس، ۱۳۷۷ق، ص ۵۸)، در هجو دشمن، لفظ «دعی» را به کار می‌برد:

رُوِيَ ابْنُ الدَّعِيِّ وَ مَا ادَّعَاهُ سَيَلَقِي مَا تَسَلَّفَ عَنْ قَلِيلٍ

(شبر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹)

- ای حرامزاده (پسر معاویه) آرام باش و صبر کن. بعد از مدتی کوتاه با آنچه پیش فرستاده‌ای، بر زمین خواهی خورد.

مهیاری دیلمی نیز در هجو قاتل امام حسین علیه السلام از همین لفظ، استفاده کرده است: (الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۸). دعبل نیز در چکامه‌ای که در سوگ امام رضا علیه السلام سروده است، بی‌پروا و استوار، بر امویان و عباسیان تاخته، از ستم و نالایقی آنان بر مسند خلافت و حکومت مسلمانان، سخن می‌گوید (الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۹-۱۷۰). وی در جای دیگری، مدح امام رضا علیه السلام را همراه با هجو دشمنان او به هم می‌آمیزد:

قَبْرَانِ فِي طُوسٍ خَيْرُ النَّاسِ كُلِّهِمْ وَ قَبْرُ شَرِّهِمْ هَذَا مِنَ الْعَبَرِ
مَا يَنْفَعُ الرَّجْسَ مِنْ قُرْبِ الزَّكِيِّ وَلَا عَلَى الزَّكِيِّ بِقُرْبِ الرَّجْسِ مِنْ ضَرَرِ
هَيْهَاتَ كُلِّ امْرِئٍ رَهْنٌ بِمَا كَسَبَتْ لَهُ يَدَاهُ، فَخُذْ مَا شِئْتَ أَوْ قَذَرِ

(همان، ص ۱۰۷)

- در طوس، دو قبر است؛ یکی قبر بهترین مردم و دیگری قبر بدترین ایشان و این پندآموز است.

- نه آن پلید را از قرب این پاک سودی است و نه این پاک را از جوار آن پلید، زیانی.
- دریغ! همانا هر کس در گرو توشه‌ای است که دست‌هایش برای او فراهم آورده‌اند.
پس تو نیز هر یک از نیک و بد را که می‌خواهی، برگزین یا واگذار.

ابوفراس نیز در چکامه «شافیه» به صراحت به هجو بنی‌عباس می‌پردازد و آنان را شراب‌خوار، فاسد و نیرنگ‌باز معرفی می‌کند و در مقابل، به مدح و ذکر منقبت‌های علویان می‌پردازد (رک: الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۱۵۸-۱۵۹).

۹-۱. تولی و تبری

محبت و دوستی نسبت به اهل بیت (ع) و دوستان ایشان و دشمنی نسبت به دشمنان آنان، یکی از بخش‌های چشمگیر ادبیات شیعه و به دنبال آن رثای شیعی بوده است؛ چراکه به اعتقاد شیعه، محبت و دوستی اهل بیت (ع) امری واجب به شمار می‌آید؛ همچنان که در قرآن کریم آمده است: «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شوری: ۲۳).

مهیاری، تولی و تبری خود را چنین به صراحت بیان می‌کند:

أَسِيرُ لِمَنْ وَالَاكَ حُبٌّ مُوَافِقٍ وَ أَبْدَى لِمَنْ عَادَاكَ سَبٌّ مُخَالِفٍ

(الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۸)

– مهر دوستان را در دل، پنهان کردم؛ مهری موافق، و دشمنی و شتم دشمنان را بر زبان دارم.

دیگر شاعران متعهد این دوره، به فراوانی در شعرشان به این موضوع اشاره کرده‌اند: (ر.ک: ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۵/ الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳/ الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸).

۱۰-۱. تهدید و تحریض به انتقام

مرثیه‌سرایان اهل بیت (ع) پس از بیان بزرگی مصیبت‌ها و شرح رخدادها و معرفی شخص درگذشته و قاتلان ایشان به سبک مرثیه‌های دیگر شاعران، به طرح انتقام از دشمنان پرداخته‌اند؛ آنان را تهدید نموده، دوستان و مخاطبان خود را به انتقام‌خواهی، برانگیخته‌اند. شاعران شیعه به هنگام فراخوانی به جهاد و انتقام، با معرفی فضیلت‌های اهل بیت (ع) و ذکر نسبت خویشاوندی این خاندان با رسول اکرم (ص) بر این هدف بوده‌اند که با برانگیختن بیشتر احساسات و برشمردن جایگاه خاص سلاله رسول خدا (ص) جان‌ها و خرده‌های خفته را بیدار کنند؛ ضمن اینکه این شاعران از ذکر موضوع‌هایی همچون: انتظار قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نصرت الهی غافل نبوده‌اند.

ابوفراس حمدانی به تهدید بنی‌عباس و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد و خود را آماده نبرد با آنان معرفی می‌کند:

يُضَانُ مُهْرِي لَا مِرَّ لَا أَبُوحُ بِهِ وَالذَّرْعُ وَالرُّمْحُ وَالصَّمَامَةُ الْخَذِمُ
وَكُلُّ مَائِرَةِ الضَّبْعَيْنِ، مَسْرَحُهَا رِمَتْ الْجَزِيرَةَ وَالْخِذْرَافُ وَالْعَنَمُ
وَفِتْيَةٌ، قَلْبُهُمْ قَلْبٌ إِذَا رَكِبُوا يَوْمًا، وَرَأَيْهُمْ رَأَى إِذَا عَزَمُوا

(الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۱۶۵)

- اسب، زره، نیزه و شمشیر برآن خود را برای امر [مهمی] که آن را فاش نمی‌کنم، آماده نگه داشته‌ام.

- و نیز هر جنبنده‌ای که جولانگاهش، در بین بوته‌زارهای جزیره باشد.

- و جوانمردانی که چون سوار بر مرکب جنگ شوند، شجاع‌دل، و چون تصمیمی بگیرند، اراده و تصمیم‌شان قاطع و درست می‌باشد.

شریف رضی با سوگند دادن مردم به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ایشان را به انتقام از کسانی فرا می‌خواند که خون خاندان پاک رسالت را ریخته‌اند (الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۹). «جیمیة» ابن الرومی نیز خالی از تهدید و تحریض نیست. او که داغدار مصیبت‌های اهل بیت علیهم‌السلام و شاهد جنایت‌های بنی‌عباس در حق این بزرگان بوده است، مردم را به انتقام فرا می‌خواند و در این مورد آنان را با نام جدّ بزرگشان، خطاب می‌کند (ر.ک: ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۵). وی در ادامه، دشمنان را به انتقام در روزی تهدید می‌کند که هیچ راه فراری برای آنان وجود ندارد. وی در این بیت‌ها، به قضیة «مهدویت» نیز پرداخته است (همان، ص ۳۰۷-۳۰۸). همین موضوع در شعر ابوفراس حمدانی و دیک الجن مطرح است (ر.ک: الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۱۶۵/ دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰).

۱۱-۱. شکایت و سرزنش مردم

در بیشتر مرثیه‌های سروده‌شده در سوگ اهل بیت (ع)، سرزنش مردمان بی‌بصیرتی که در یاری‌رساندن به پیشتازان مبارزه با ستم و یاری دین خدا، کوتاهی کرده‌اند، دیده می‌شود. این شکوه و سرزنش، گاهی همراه با نفرین و گاهی همراه با سرزنش و بیان سرانجام کار آنان است:

رَأْسُ ابْنِ بَنْتِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيَّهِ
يَا لِلرَّجَالِ عَلَى قَنَاقَةٍ يُرْفَعُ
وَالْمُسْلِمُونَ بِمَنْظَرٍ وَ بِمَسْمَعٍ
لَا جَاذِعٌ مِنْ ذَا، وَلَا مُتَخَشِّعٌ

(الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۷)

– ای مردم! سر فرزند دختر محمد (ص) و جانشین او بر روی نیزه‌ها بالا رفته است.
– و مسلمانان [این حادثه] را می‌بینند و می‌شنوند، ولی کسی از آن ناراحت نمی‌شود، و یا از [عواقب آن] نمی‌ترسد.

همین موضوع در شعر دیگر شاعران این دوره نیز مطرح می‌شود (ر.ک: الحمدانی،

[بی‌تا]، ص ۱۵۸ / الدبلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۸۷ / الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۷-۹۸).

۱۲-۱. ذکر نزدیکی و پیوند اهل بیت (ع) با رسول اکرم (ص)

یکی از ابعاد برجسته مرثیه‌های سروده‌شده درباره اهل بیت (ع)، بیان پیوند نسبی آنان با رسول خدا (ص) و شرح ستم‌هایی است که بر این خاندان رفته است.

منصور نمری در سوگ امام حسین (ع) به این قرابت، چنین اشاره می‌نماید:

وَقَدْ شَرَقَتْ رِمَاحُ بَنِي زِيَادٍ
بِرِيٍّ مِنْ دِمَاءِ بَنِي الرَّسُولِ

(شبر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۰)

– نیزه‌های فرزندان زیاد از خون فرزندان رسول (ص)، سیراب گشت.

دعبل (۱۴۱۷ق، ص ۱۲۷)، مهیار دبلی (۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۸) و ابوفراس ([بی‌تا]، ص ۵۶)

نیز به این موضوع پرداخته‌اند.

۱۳-۱. ذکر حقانیت رهبری و امامت اهل بیت

شیعیان بر اساس روایت‌ها و سفارش‌های فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام را شایسته رهبری جامعه اسلامی می‌دانستند. اما امویان و عباسیان در اندیشه زنده‌نمودن خوی عربی - جاهلی بودند؛ از این رو، ارتکاب هر جنایتی را برای خود روا می‌دانستند، و شهادت ائمه علیهم السلام و یاران وفادارشان، از ستم‌های برجسته آنان است. شاعران متعهد شیعه نیز به قصد پاسداری از میراث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سفارش آن حضرت، در شعرهای خود با استدلال و احتجاج، به تبلیغ وصایت و حقانیت ائمه اطهار علیهم السلام در خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند. برخی از شاعران به آوردن کلمه «وصی» عنایت ویژه‌ای داشته‌اند، تا بر سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خلافت ائمه علیهم السلام بعد از خود و عدم رعایت آن توسط غاصبان رهبری و امامت جامعه تأکید کنند.

سید حمیری در رثای امام حسین علیه السلام می‌سراید:

أَبَاؤُهُ أَهْلُ الرِّيَاسَةِ وَالْخِلَافَةِ وَالْوَصِيَّةِ

(الحمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۶)

- پدران و اجداد او شایسته ریاست، خلافت و جانشینی [پیامبر بودند].

این موضوع، در شعر دعبل خزاعی و ابوفراس حمدانی نیز دیده می‌شود (ر.ک: الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳/ الحمدانی، [بی‌تا]، ۱۵۷).

برخی از مضمون‌های ذکر شده، مضمون‌هایی بود که در همه مرثیه‌ها و در همه دوره‌ها (شیعی و غیرشیعی) مطرح بوده‌اند. و برخی دیگر نیز در شمار موضوع‌های مطرح شده در انواع شعری شیعه (رثا و غیررثا) می‌باشند. در عصر عباسی، برخی مضمون‌ها در رثای اهل بیت علیهم السلام، ویژه ایشان بوده است؛ از جمله:

۱۴-۱. معرفی چهره واقعی دشمنان

معرفی چهره واقعی دشمنان، یکی از بُعدهای سیاسی مرثیه‌های سروده شده در سوگ اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. بیشتر شاعران مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم السلام به این موضوع اشاره

کرده‌اند و دشمنان و قاتلان آن بزرگان را، همان دشمنان اسلام و پیامبر (ص)، دانسته‌اند که از آغاز اسلام و جنگ بدر، کینه انتقام را در دل داشته، چون فرصت را فراهم دیده‌اند، به فرزندان راستین اسلام، حمله کرده، به انتقام کشته‌های خود پرداخته‌اند.

شریف رضی، بر این باور درست است که به قتل رساندن فرزند پیامبر (ص) به سبب حق و در راه حقیقت نبوده، بلکه انتقام‌جویی از پیامبر (ص) و امام علی (ع) بوده است:

أَذْرَكَ الْكُفْرُ بِهِمْ نَارَاتِهِ وَ أَزِيلُ الْغَى مِنْهُمْ فَاشْتَفَى
يَا قَتِيلًا قَوْضَ الذَّهْرُ بِهِ عُمَدَ الدِّينِ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى
قَتَلُوهُ بَعْدَ عِلْمٍ مِنْهُمْ أَنَّهُ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَا

(الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۵)

– کفر با کشتن آنان، انتقام کشته‌هایش را گرفت [و به گمان کافران] گمراهی از بین رفت؛ پس دل‌هایشان آرام شد و تسلی یافت.

– ای کشته‌ای! که دنیا به خاطر مرگش پایه‌های دین و نشانه‌های هدایت را نابود کرد و در هم شکست.

– او را به قتل رساندند، با علم به اینکه او پنجمین کسانی است که اصحاب کساء بودند.

این مطلب در شعر دیگر شاعران شیعی این دوره نیز مطرح بوده است (ر.ک: شبر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹/ الذیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۷۲/ ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۵).

۱۵-۱. محکوم کردن بنی‌عباس با عنوان ادامه‌دهندگان راه بنی‌امیه

در دوران بنی‌عباس، شاعرانی به ظهور می‌رسند که به دلیل وابستگی به خلافت عباسیان، تلاش می‌کنند اندیشه و احساس پاک مردم به اهل بیت (ع) را به نفع عباسیان هدایت کنند؛ به‌خصوص که بنی‌عباس نیز شعار خونخواهی اهل بیت (ع) را – در آغاز – سر داده بودند.

شاعرانی چون «ابن معتنز» (۲۴۷-۲۹۶ق) که از امیران خاندان بنی‌عباس است، با همه دشمنی که نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام و علویان دارد، به مرثیه‌سرایی درباره امام حسین علیه‌السلام می‌پردازد و در آن مدّعی می‌شود عباسیان انتقام خون حسین علیه‌السلام را گرفته‌اند و بنی‌امیه را به سزای اعمالشان رسانده‌اند. او ادّعا می‌کند اگر بنی‌عباس نبودند، خون حسین علیه‌السلام به هدر رفته بود:

جَزَيْنَا الْأُمُوتَيْنِ... ...وَدَنْنَاهُمْ كَمَا دَانُوا
وَذَاقُوا ثَمَرَ النَّفْسِ... ...وَوُخِّنَّاهُمْ كَمَا خَانُوا
وَلِلْخَيْرِ وَالشَّرِّ... ...يَكْفِ اللَّهُ مِيزَانُ
وَلَوْ لَا نَحْنُ قَدْ ضَاعَ... دَمٌ بِالطَّفِّ مَجَّانُ

(ابن المعتنز، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۴۱)

- امویان را مجازات کردیم و همچنان که آنان [اهل‌بیت علیهم‌السلام] را ضعیف و رنجور کردند، ما هم آنان را شکست دادیم.

- و طعم [تلخ] سرکشی را چشیدند، و همچنان که آنان خیانت کرده بودند، ما هم به آنها نیرنگ زدیم و به آنان پشت کردیم.

- و ترازوی عدالت در مورد خیر و شر در دست خداوند است.

- و اگر ما نبودیم، خون شهید کربلا، به آسانی هدر می‌رفت.

بی‌شک، یکی از هدف‌های بنی‌عباس از انتشار چنین دسیسه‌هایی، کاستن از شور و حرارتی بود که در جنبش‌های علوی وجود داشته است. آنان بر این قصد بوده‌اند تا بدین وسیله، لبه تیز این انقلاب خروشان که خلافت عباسیان را تهدید می‌کرد، به سوی امویان هدایت کنند. اما این تلاش شاعران درباری، به ثمر نرسید و با مقابله دوستانداران اهل‌بیت علیهم‌السلام روبرو شد. شاعران متعهّدی که چهره واقعی بنی‌عباس را به مردم معرفی می‌کردند، در این مسیر نه تنها آنان را خونخواه اهل‌بیت علیهم‌السلام نمی‌دانستند، بلکه آنان را با عنوان ادامه‌دهندگان راه بنی‌امیه و غاصب خلافت و رهبری جامعه اسلامی در ستم بر اهل‌بیت علیهم‌السلام شریک دانسته، محکوم می‌نمودند.

ابوفراس حمدانی در «شافیه» ی مشهورش، به جنایات بنی‌عباس در حق علویان، از جمله شهادت امام موسی کاظم (ع)، امام رضا (ع)، یحیی علوی و دیگر علویان و خراب کردن قبر امام حسین (ع) توسط متوکل اشاره می‌کند و آنان را نه تنها ادامه‌دهندگان راه بنی‌امیه می‌داند، بلکه جنایت‌های ایشان را بالاتر از جنایت‌های بنی‌امیه می‌داند:

مَا نَالَ مِنْهُمْ بَنُو حَرْبٍ، وَ إِنِّ عَظُمَتْ
تِلْكَ الْجَرَائِرُ إِلَّا دُونَ نَيْلِكُمْ...
يَا جَاهِدْ أَوْ فِي مَسَاوِيهِمْ يُكْتَمُهَا
غَدْرُ الرَّشِيدِ يَحْيَى كَيْفَ يَنْكُتُمْ
لَيْسَ الرَّشِيدُ كَمُوسَى فِي الْقِيَاسِ وَلَا
مَأْمُونُكُمْ كَالرَّضَا أَنْصَفَ الْحُكْمِ
ذَاقَ الزَّبِيرُ غِبَّ الْجَنْثِ وَ انْكَشَفَتْ
عَنْ ابْنِ فَاطِمَةَ الْأَقْوَالُ وَالتَّهْمُ
يَا عَصْبَةَ شَقِيتَ مِنْ بَعْدِ مَا سَعَدْتَ
وَ مَغْشَرًا هَلَكُوا مِنْ بَعْدِ مَا سَلَمُوا
لَيْسَ مَا لَقِيتَ مِنْهُمْ، وَ إِنِّ يُلِيْتُ
بِجَانِبِ الطَّفِّ تِلْكَ الْأَعْظُمُ الرَّمَمُ

(الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۱۵۷-۱۵۸)

بنی‌امیه هرچند جرم و جنایت‌های بزرگی در حق خاندان رسول (ص) انجام دادند، ولی اعمال آنها به پای جرم و جنایت شما نمی‌رسد.

ای کسی که تلاش می‌کنی بدی‌های بنی‌عباس را در حق اهل بیت (ع) پنهان کنی! نیرنگ رشید در حق یحیی علوی چگونه پنهان می‌شود؟!

رشید، قابل مقایسه با امام موسی کاظم (ع) نیست و مأمون نیز مثل امام رضا (ع) به عدالت رفتار نمی‌کند.

زبیری عاقبت گناه خود را چشید و سخنان و گفته‌های تهمت‌آمیز در مورد فرزندان فاطمه (ع) آشکار گشت.

ای جماعتی که بعد از سعادت، نگون‌بخت شد و ای گروهی که بعد از سلامت و عافیت، هلاک گشت.

رفتار بنی‌عباس با قبرهای (استخوان‌های پوسیده) سرزمین طف، رفتاری زشت و ناپسند بود.

پرداختن به نیرنگ‌های بنی‌عباس در به‌شهادت‌رساندن امامان شیعه علیهم‌السلام در شعر دیگر شاعران شیعی این دوره نیز مطرح بوده است (ر.ک: الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۶ / الرّضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۱۲ / الدّیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۸۷).

۱۶-۱. شفاعت

بدون تردید، این موضوع و موضوع‌های دیگری، از قبیل شفاعت، بازخواست حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مسلمانان در مورد حقّ ذوی‌القربی، حوض کوثر، غدیر، سقیفه، سرانجام جهنمی قاتلان ائمه اطهار علیهم‌السلام و... که در سوگنامه‌های شیعی مطرح بوده است، همان موضوعات خاصّ ادبیات شیعی است، که در رثای اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز مورد توجه شاعران بوده است. شفاعت از جمله این موضوع‌هاست که مرثیه‌های سروده‌شده درباره اهل‌بیت علیهم‌السلام را از مرثیه‌های دیگر شاعران، متمایز می‌کند؛ البته اصل موضوع معاد در مرثیه‌های همه شاعران مسلمان، مطرح بوده است.

مهیاری دیلمی در بیت زیر، شفاعت اهل‌بیت علیهم‌السلام را نجات‌دهنده خویش در روز قیامت می‌داند:

هَوَاكُم هُوَ الدُّنْيَا، وَ اَغْلَمُ اَنَّهُ
يُبَيِّضُ يَوْمَ الْحَشْرِ سُودُ الصَّحَائِفِ

(الدّیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۸)

- عشق به شما، با تمام دنیا برابر است، و می‌دانم که روز قیامت، نامه اعمال سیاهم را سفید خواهد کرد.

شفاعت اهل‌بیت علیهم‌السلام از دوستان و بی‌بهره‌ماندن دشمنان از شفاعت آن بزرگان، در شعر دیگر شاعران شیعی این دوره نیز مطرح بوده است (ر.ک: الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۵ / الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۱ / الرّضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۷).

۱۷-۱. پیوند رخداد کربلا با واقعه سقیفه

یکی از موضوع‌های مهمی که در سوگنامه‌های شیعی، در عصر عباسی به آن پرداخته شده است، ریشه‌یابی ستم‌هایی است که در حقّ اهل‌بیت علیهم‌السلام وارده شده است. بیشتر

شاعران دوره عباسی، با احتجاج بر حقانیت اهل بیت (ع) در امر خلافت و رهبری جامعه اسلامی، عامل اصلی این همه مصیبت را، به‌خصوص فاجعه بزرگ کربلا، سرکشی اصحاب رسول خدا (ص) از فرمان او در امر خلافت و رهبری جامعه اسلامی می‌دانند، و بیان می‌کنند ریشه همه این گرفتاری‌ها و فتنه‌ها در شورای سقیفه است.

مهیاری دیلمی، عقیده دارد ریشه مصیبت‌های خاندان رسول (ص)، تصمیم سقیفه است. او بر این باور است که حادثه سقیفه، راه را برای جنایتکاران اموی در جنایت‌های کربلا هموار کرد، و محروم نمودن علی (ع) از خلافت و فاطمه (ع) از حق فدک، به قتل رساندن آنان را آسان کرد:

أَضَالِيلُ سَاقَتْ مُصَابَ الْحُسَيْنِ
فَيَوْمُ السَّقِيفَةِ يَا ابْنَ النَّبِ
وَمَا قَبْلَ ذَاكَ وَمَا قَدْ تَلَا
يَ طَرَّقَ يَوْمَكَ فِي كَرْبَلَا
وَعَصَبُ أَبِيكَ عَلَى حَقِّهِ
وَأُمُّكَ حَسَنَ أَنْ تُقْتَلَا

(الديلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۱۵)

– اینها گمراهی‌های است که فاجعه امام حسین (ع) و مصیبت‌های قبل و بعد از آن را پیش آورد.

– ای فرزند رسول (ص)! تصمیم گرفته‌شده در روز سقیفه، تو را به کربلا [و مصیبت‌های آن] کشاند.

– اعتراض پدر و مادرت نسبت به حق غصب‌شده‌شان، آنان را به شهادت رسانید (شهادت را برای آنان نیکو گردانید).

برخی دیگر از شاعران متعهد این دوره نیز آشکارا، حادثه کربلا را به تصمیم سقیفه پیوند می‌دهند (ر.ک: الرضی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۴۱۱/ الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۶/ دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸).

در حقیقت، این یک نظریه سیاسی دقیق است که شاعران متعهد شیعی در دوره عباسی مطرح می‌کنند. آن‌گاه که گروه سقیفه بنی‌ساعده جرئت کردند خلافت را از علی (ع) غصب کنند و فاطمه (ع) را از میراث پدری، محروم کنند، حرمت اهل بیت (ع)

از بین رفت و در نتیجه، دشمنان آنان تحریض شده، جرئت یافتند خون امام حسین (ع) و یارانش را در کربلا بریزند.

۱۸-۱. انتظار فرج

موضوع دیگری که در مرثیه‌های شیعی دوره عباسی، مطرح است و شاعران اهل بیت (ع) به آن پرداخته‌اند، «انتظار فرج» و مسئله «مهدویت» است. شاعران متعهد، بدین وسیله، امید را در دل مظلومان، و خوف را در دل حاکمان ظالم می‌گسترانند؛ تا آنجا که برخی از شاعران در مرثیه‌های خود انتقام حقیقی را در ظهور موعود، لحظه‌شماری کرده‌اند.

دعبل، ظهور امام (ع) را امری قطعی می‌داند؛ امامی که با نام و یاری خداوند، قیام خواهد کرد و حق و باطل را از هم جدا خواهد کرد. وی آرزوی روزی را دارد که در کنار آن بزرگوار به انتقام از دشمنان بپردازد:

فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْ غَدٍ تَقَطَّعَ قَلْبِي إِثْرَهُمْ حَسْرَاتٍ
خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ...
فَإِنْ قَرَّبَ الرَّحْمَنُ مِنْ تِلْكَ مَدَّتِي وَأَخَّرَ مِنْ عُمْرِي بِطُولِ حَيَاتِي
شَفِيتُ وَلَمْ أَتْرُكْ لِنَفْسِي رَزِيَّةً وَرَوَيْتُ مِنْهُمْ مُنْصَلًى وَقَنَاتِي

(الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۴)

- اگر نبود امید و آرزوی آن کس که امروز یا فردا خواهد آمد، به‌راستی قلبم از اندوه و درد آنها گسسته می‌گشت.

- آن امام (ع) بی‌تردید خروج خواهد کرد، به نام خداوند و با برکت‌های الهی قیام خواهد کرد.

- آن که می‌آید، حق و باطل، درستی و نادرستی را در میان ما آشکار خواهد کرد، و زشت و زیبا، روا و ناروا را جزا خواهد داد.

– اگر خداوند رحمان، آن زمان مبارک را نزدیک می‌گرداند و عمری بر عمر من می‌افزود و مرگم را پس می‌انداخت.

– آن‌گاه شمشیر و نیزه‌ام را از خون آنان سیراب می‌ساختم و تمامی اندوه گران این عمر غصه‌ناک را از خویش می‌زدودم.

ابن الرومی، عباسیان و کارگزاران آنان را به ظهور امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هشدار می‌دهد؛ امامی که با سپاهی انبوه و یارانی شجاع، به انتقام خون «خدا» برخواید خاست و به عدالت، حکم خواهد کرد:

لَعَلَّ لَهُمْ فِي مُنْطَوَى الْغَيْبِ نَائِرًا سَيَسْمُوكُمْ وَ الصُّبْحُ فِي اللَّيْلِ مُوَلِّجٌ
بِمَجَرِّ تَضْيِيقِ الْأَرْضِ مِنْ زَقَاتِهِ لَهُ زَجَلٌ يَتَفَى الْوُحُوشَ وَ هَزْمَجٌ...
عَلَيْهَا رِجَالٌ كَالْيُوتِ بِسَالَةٍ بِأَمْثَالِهَا يُثْنِي الْأَبَى فَيُعْنَجُ...
فَيُذِرُكَ نَارَ اللَّهِ أَنْصَارَ دِينِهِ وَلِلَّهِ أَوْسٌ آخِرُونَ وَ خَزَرْجٌ
وَ يَقْضَى إِمَامُ الْحَقِّ فِيكُمْ قَضَاءَهُ تَمَامًا وَ مَا كُلُّ الْحَوَامِلُ تُخْدَجُ

(ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۸)

– شاید در پس پرده غیب، برای آنها شخصی انقلابی باشد و بر شما برتری یابد؛ زیرا پایان شب سیاه، صبح است.

– رهبر و دولت آنها دارای سپاهی است بی‌کران، که زمین از نعره‌شان به تنگ می‌آید و هیاهو و صدایشان وحوش را فراری دهد.

– در آن سپاه مردان شجاعی چون شیر خشمگین هست که شجاعان نیرومند را تحت اراده و به زانو درآورد.

– آن یاران دین خدا انتقام خون خدا را از دشمنان دین بگیرند، و خدا دارای اوس و خزرج دیگری است.

– در آن زمان، امام بحق درباره شما به طور کامل حکم کند، و چنان نیست که هر زنی بچه ناقص زاید (همه چیز در زمان آن حضرت، کامل و بی‌نقص است).

انتظار فرج، در برخی دیگر از سوگنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در این دوره نیز دیده می‌شود (ر.ک: الذیلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۵۶ / شبر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۵ / الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۶).

۲. تحلیل ساختاری رثای اهل بیت علیهم‌السلام در عصر عباسی

شعر شیعی و به دنبال آن رثای شیعی، دارای شیوه‌ها و سبک‌های گوناگون بوده است؛ سبک‌هایی که با تغییر زمان و انگیزه در تحول و تکامل بوده است. اسلوب مرثیه‌های سروده‌شده درباره اهل بیت علیهم‌السلام در خدمت هدف و رسالت مضمون این مرثیه‌هاست؛ از این رو اگر ساختارهای ویژه‌ای دارد، برای بیان درست و روشن آرمان و رسالت آن بزرگواران و یاران وفادارشان است. شاعران مرثیه‌سرا، همچنان که به رسالت خود در بیان مضمون‌های این سوگنامه‌ها آگاهی داشتند، از ساختارهای شعری آن نیز غافل نبوده‌اند؛ به همین دلیل در انتقال مضامین به مخاطب، سعی در انتخاب الفاظ ساده و روان داشته‌اند تا فهم رسالت شعر را برای عامّة مخاطبان آسان نمایند. آنان در سوگنامه‌های خود به ساختار شکنی در مطلع و مقطع قصیده‌های خود پرداخته‌اند و در این زمینه، بیشتر قصیده را با موضوعی آغاز یا ختم کرده‌اند که با روح و محتوای آن هماهنگ باشد. مهم‌ترین پشته‌های شاعران در این مرثیه‌ها، قرآن، حدیث و مانند آن است.

شاعران شیعه، ضمن بیان عقاید خود، بر آرای مخالفان تاخته، استدلال‌های آنها را به نقد کشیده‌اند و بدین گونه، باب احتجاج را بر روی شعر گشوده، در حقیقت، فصل نوینی در سبک شعر عربی آفریدند. ایشان در ضمن این مرثیه‌ها، صور خیال گوناگونی همچون: تشبیه، استعاره، کنایه و مانند آنها را به کار برده‌اند و از صنایع بدیعی همچون تضاد، مراعات نظیر و مانند آن استفاده کرده‌اند که همه اینها، بیانگر توان شعری ایشان و قراردادن شعر در خدمت رسالت فکری است.

۲-۱. پیوند اسلوب قدیم و معانی جدید

یکی از ویژگی‌های بارز چکامه‌سرایان شیعی - چه در مدح و چه در رثا - آغاز نمودن این چکامه‌ها با عشق و علاقه و دلدادگی نسبت به امامان پاک‌نهاد (ع) بوده است؛ از این‌رو بیشتر این شاعران، قصیده‌های خود را با گریه بر یاد معشوق و خرابه‌های به‌جای‌مانده از کاشانه‌اش و اموری از این قبیل - که در شعر دیگر شاعران عرب، به‌ویژه شاعران عصر جاهلی و اموی، رایج بوده است - آغاز نکرده‌اند؛ زیرا هدف آنان از سرودن چکامه‌های مذهبی، سرگرم‌نمودن و جلب توجه مخاطب و بازی با لفظ و تعبیر و صور خیال نبوده است، بلکه تمام اندیشه خویش را در راه بیان دیدگاه‌های عقیدتی و بیداری‌بخش مخاطب به کار برده است.

دعبل در وقوف بر آثار اهل بیت (ع)، معانی جدیدی مطرح می‌کند که در نوع خود دلکش و زیباست:

بَكَيْتُ لِرَسْمِ الدَّارِمِنْ عَرَقاتٍ وَأَذَيْتُ دَمْعَ الْعَيْنِ بِالْعَبْرَاتِ
وَفَكَ عَرَى صَبْرِي وَهَاجَتْ صَبَابَتِي رُسُومُ دِيَارٍ أَفْقَرَتْ وَعِراتِ...
مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَمَنْزِلُ وَحْيِ مُقْفِرِ الْعَرَصَاتِ

(الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹)

- بر خرابه‌های خانه [دلبرانم] در عرفات گریستم و مویه‌کنان از دیدگان سیلاب اشک باریدم.

- ریسمان صبرم گسسته شد و آثار خانه‌های متروک و ویران حبیبانم، شعله‌های سوزان عشق مرا شعله‌ور کرد.

- مدرسه‌های آیات الهی از تلاوت خاموش شده است، و محل نزول وحی، خرابه‌ای متروک شده است.

شریف رضی بیشتر سوگنامه‌های خود را با تغزل آغاز می‌کند؛ تغزلی معنوی و نیکو که مناسب با روح قصیده است؛ برای مثال در یک مرثیه با تخلص نیکو، تشنگی امام (ع) را یادآوری می‌نماید (ر.ک: الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۱۰-۴۱۱)، و در جای دیگر،

به سبک شاعران بزرگ عرب - که دیار محبوب را مورد خطاب قرار می‌دادند - سرزمین کربلا را مورد خطاب قرار می‌دهد:

كَرْبَلَا! لَا زِلْتَ كَرْبًا وَبَلَا مَا لَقِيَ عِنْدَكَ آلُ الْمُصْطَفَى

(الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۳)

- ای کربلا! همچنان در بلا و اندوه باقی بمانی؛ خاندان پیامبر ﷺ در سرزمین تو چه‌ها که دیدند؟

چنین ساختارشکنی‌های شعری در مطلع قصیده یا مقطع آن، در شعر بزرگانی همچون: ابوفراس حمدانی (ر.ک: الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۱۹۹) و دیک الجن حمصی (ر.ک: دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵-۳۶) نیز دیده می‌شود.

شاعران شیعه در گشودن چنین ساختار نوینی، ارمغان تازه‌ای به ادب عربی هدیه نمودند؛ زیرا ایستادن بر اطلال و دمن و گریستن بر خرابه‌های برجای‌مانده از خانه معشوق، یکی از میراث‌های ادب جاهلی بود که شاعران دربار اموی و عباسی همواره در پی زنده‌نمودن آن بودند.

۲-۲. کاربرد استدلال و احتجاج

مرثیه‌های سروده‌شده در سوگ اهل بیت ﷺ بهره‌مند از جدل و استدلال است. این شعر که همواره با فوران عاطفه و با محوریت غضب و کینه بر ضد غاصبان خلافت و با جوش و خروش همراه بوده است، در برخی زمان‌ها، همراه با دلیل و برهان، درباره حق مسلم علی ﷺ و فرزندان او در جانشینی پیامبر ﷺ بیان شده است.

مهم‌ترین استدلال و حجّت شاعران شیعه در دفاع از حقانیت اهل بیت ﷺ آیه‌های نازل‌شده در شأن این بزرگان، سخنان و سفارش‌های رسول اکرم ﷺ درباره موضوع وصایت، «غدير خم» و نیز فتنه «سقیفه بنی‌ساعده» است.

دعبل، شاعر دل‌سوخته اهل بیت ﷺ، در بیشتر مرثیه‌هایش از این هنر، بهره گرفته است. وی در بیت‌های زیر با یاری از منطق و استدلال، به بیات تفاوت‌ها و تمییز جایگاه اهل بیت ﷺ پرداخته است:

قَبْرَانِ فِي طُوسَ خَيْرُ النَّاسِ كُلُّهُمْ وَ قَبْرُ شَرِّهِمْ هَذَا مِنَ الْعَبَرِ
مَا يَنْفَعُ الرَّجْسَ مِنْ قُرْبِ الزَّكِيِّ وَلَا عَلَى الزَّكِيِّ بِقُرْبِ الرَّجْسِ مِنْ ضَرَرِ
هَيْهَاتَ كُلِّ امْرِئٍ رَهْنٌ بِمَا كَسَبَتْ لَهُ يَدَاهُ، فَخَذْمًا شِئْتَ أَوْ فَذَرِ

(الخزاعي، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۷)

بیشتر شاعران مرثیه سرای شیعی دوره عباسی از ساختار استدلال و احتجاج، استفاده کرده‌اند (ر.ک: الذیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۷/ ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۵/ الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۰/ دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷).

۳-۲. اقتباس از قرآن و حدیث

پیوند پیوسته مرثیه‌سرایان اهل بیت (ع) با قرآن و حدیث موجب شده است در شعر آنان، روح قرآنی و جلوه‌هایی از حدیث حاکم باشد. آنان در دفاع از حقانیت ائمه (ع) و آرمان‌های آن بزرگان، از قرآن کریم و حدیث شریف بهره فراوان گرفته، شعرشان را با این واژگان شریف آراسته‌اند.

سید حمیری در رثای امام حسین (ع) با اشاره به آیه هفتم از سوره بینه (أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) می‌گوید:

قَبْرُ تَضَمَّنَ طَيِّبًا أَبَاؤُهُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

(الحمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۶)

ابن رومی نیز به همین آیه اشاره می‌کند (ر.ک: ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۵). اقتباس از قرآن، زینت بخش شعر بیشتر این مرثیه‌سرایان بوده است (ر.ک: الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۰/ ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۵/ الخزاعي، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸).

این شاعران بزرگ در ضمن استفاده از آیات قرآن، همواره از سخنان بزرگان دین در شعر خود استفاده کرده‌اند. سید حمیری، در رثای امام حسین (ع) به این گفته حضرت در شب عاشورا که به یاران خود فرمود:

«وَذَرُونِي وَهَؤُلَاءِ الْقَوْمَ فَإِنَّهُمْ لَا يُرِيدُونَ غَيْرِي» (ابن طاوس، ۱۳۷۷ق، ص ۵۳) اشاره می‌کند و چنین می‌گوید:

لَسْتُ أَنْسَاهُ حِينَ أَتَقَنَّ بِالْمَو	تِ دَعَاهُمْ وَ قَامَ فِيهِمْ خَطِيبًا
ثُمَّ قَالَ ارْجِعُوا إِلَى أَهْلِكُمْ لِيُ	سَ سِوَانِي أَرَى لَهُمْ مَطْلُوبًا
فَأَجَابُوهُ وَالْعُيُونُ سُكُوبٌ	وَحُشَاهُمْ قَدْ شَبَّ مِنْهَا لَهْيًا
أَيُّ عَذْرَانَا غَدًا حِينَ تَلْقَى	جَدَّكَ الْمُصْطَفَى وَتَحْنُ حَرُوبًا

(الحمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۳۳-۳۴)

- فراموش نمی‌کنم زمانی را که از مرگ خود مطمئن شد، یاران خود را فراخواند و در بین آنها به سخنرانی برخاست.

- سپس گفت: به سوی خانواده‌های خود برگردید؛ آنها به غیر از من، خواسته دیگری ندارند (هدف آنها فقط من هستم).

- سپس به او جواب دادند در حالی که اشک از چشمانشان سرازیر بود و قلب‌هایشان پر از سوز و گداز بود.

- فردا که جد بزرگت، پیامبر ﷺ را ملاقات کنیم، هیچ عذر و بهانه‌ای نداریم، در حالی که ما دشمن [خاندان او] بوده‌ایم.

مهیار دیلمی (الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۸) و ابوفراس حمدانی (الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰) و دیک الجن حمصی (دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۷۵) بهره‌ فراوانی از حدیث شریف در مرثیه‌های اهل بیت ﷺ داشته‌اند.

۴-۲. به‌کارگیری حکمت

مرثیه‌سرایان اهل بیت ﷺ در ضمن سوگنامه خود، به نکته‌های حکیمانه‌ای اشاره کرده‌اند که بیانگر فرهنگ ادبی و توانایی شعری و هنری این شاعران بوده است. شریف رضی، در قصیده زیر، رثای خود را در سوگ امام حسین ﷺ با اسلوبی حکیمانه و تغزلی مناسب با قصیده، آغاز می‌کند و در آن از بی‌وفایی دنیا سخن می‌گوید:

چراکه حکمت گاهی از اندوه عمیق، سرچشمه می‌گیرد. دنیا در چشم شریف رضی، ابری است که باد جنوب آن را می‌آورد و باد قبول (صبا) آن را متلاشی می‌کند و مردم، اندکی می‌آسایند تا با رنج و درد مرگ مواجه شوند، و سرانجام هر کسی، همچون شاخه‌های باطراوت که سرانجامی جز پژمردگی ندارند، فناست. از دیدگاه ایشان، دنیا، زن زیبایی است که نیرنگ، شیوه اوست؛ به یکی می‌پیوندد و به دیگری جفا می‌کند:

رَاحِلٌ أَنتَ، وَاللَّيَالَى نَزُولُ وَ مُضِرٌّ بِكَ الْبَقَاءُ الطَّوِيلُ
لَا شَجَاعٌ يَبْقَى فَيَعْتَنِقُ الْآلَ بَيْضَ، وَلَا آمِلٌ، وَلَا مَأْمُولُ
فَهُوَ كَالْغَيْمِ الْفَتَنِ جُنُوبُ يَوْمَ دَجْنٍ، وَمَزَقَّتْهُ قَبُولُ...
هِيَ دُنْيَا إِنِ وَاصَلَتْ ذَا جَفَتْهَا ذَا مَلَا، كَأَنَّهَا عَطْبُولُ

(الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۶۳)

- تو می‌روی، در حالی که شب همچنان باقی است و ماندن زیاد، زیانبار نیز هست.
- نه دلاوری به‌جا ماند که با شمشیر هم‌آغوش گردد، و نه آرزویی و نه آرزومندی.
- زندگی چون ابر است که باد جنوب، آن را در روزی آکنده از مه، گرد آورد و باد صبا آن را پراکنده سازد.
- [این] دنیا، اگر با شخصی وصلت نماید، با دیگری جفا کند، همچون زیبارویان بی‌وفاست.

ابن الرومی چکامه «جیمیه»ی خود را با اسلوبی حکیمانه آغاز می‌کند، و با خطاب قراردادن مسلمانان، چنین می‌گوید: دو راه پیش روی شماست: یکی راه حق و هدایت و دیگری راه باطل و گمراهی؛ پس بنگرید و بیندیشید و راه حق‌خاندان رسول خدا (ص) را برگزینید (ر.ک: ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۵).

به‌کارگیری سخنان درست و حکیمانه، جلوه‌ای بارز در ساختار رثای دیگر مرثیه‌سرایان نیز داشته است (ر.ک: الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۵-۱۰۶ / دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۷۶).

۵-۲. حماسه

شرح حماسه شهیدان، زیباترین تصویری است که در رثای اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد. در سوگنامه‌های سروده‌شده درباره اهل بیت علیهم‌السلام از این نمونه‌ها فراوان است. شاعران خاندان رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در معرفتی و ستایش حماسه‌های اهل بیت علیهم‌السلام با سپاهیان بیداد، چکامه‌های پرشوری به نظم کشیده‌اند و در هیچ یک از آن مرثیه‌ها، از سستی، ناتوانی، کوتاهی، فرار، نومیدی و... سخنی به میان نیامده است، بلکه قهرمانان مرثیه‌های شیعه، دل‌آور مردانی هستند که با آگاهی کامل از پیامد رویارویی با ستمکاران، شمشیر خود را از نیام کشیده‌اند و تا آخرین نفس از آرمان مقدس خود دفاع کرده‌اند و عاشقانه گام در مسیر پرارزش شهادت نهاده‌اند.

در مرثیه‌های شریف رضی، روح فتوت و مردانگی موج می‌زند. شاعر، بند قن‌داق کودکان نبوت را حمایل شمشیر می‌داند و گهواره آنان را بر پشت اسبان رهوار، این‌گونه به تصویر می‌کشد:

عَصَبٌ يَقْمَطُ بِالنَّجَادِ وَلَيْدُهَا وَ مَهْودٌ صَيَّبَتْهَا ظُهُورُ جِيَادِهَا

(الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۹)

- گروهی که [بند قن‌داق] نوزادان آنان حمایل شمشیر است و گهواره کودکان آنها بر پشت اسبان رهوار است.

مرثیه‌های دیگر شاعران سوگوار اهل بیت علیهم‌السلام، سرشار از اسلوب حماسی است (ر.ک: الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۲/ شبّر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰/ دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸/ الذیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۸۰). از این‌رو چندان مبالغه نیست که گفته شود: شاعران شیعی در این زمینه، باب تازه‌ای در ساختار شعر عربی گشوده‌اند؛ بایی که می‌توان از آن با تعبیر «حماسه دینی» یاد نمود.

۶-۲. به‌کارگیری عنصر عاطفه

از دیدگاه ناقدان، عاطفه شاعر، نقش بسیار مهمی در شیوایی شعر مرثیه او دارد؛ از این‌رو به‌کارگیری عنصر عاطفه را در ساختار یک شعر رثایی، عنصری اساسی به

شمار می‌آورند. بیهوده نیست که جرج جرداق، رثای شاعری را که از عاطفه حزن و غضب سرچشمه بگیرد، سرآغاز جنبش‌های فردی و اجتماعی دانسته است (به نقل از: آئینه‌وند، ۱۳۵۹ش، ج ۱، ص ۴۲).

دعبل در سوگ اهل بیت (ع) همواره با شور فراوان و عاطفه‌ای راستین، به بیان ارادت و عشق خود نسبت به اهل بیت (ع) می‌پردازد:

تَبَذْتُ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ صَادِقًا وَسَلَّمْتُ نَفْسِي طَائِعًا لِيُولَاتِي...
فَيَا رَبَّ زِدْنِي مِنْ يَقِينِي بِصِيرَةٍ وَزِدْجَبَّهُمْ يَا رَبَّ فِي حَسَنَاتِي
سَأُبْكِيَهُمْ مَا حَجَّ لِلَّهِ رَاكِبٌ وَمَا نَاحَ قُمْرِي عَلَى الشَّجَرَاتِ...
أَحِبُّ قُصِيَّ الرَّحِمِ مِنْ أَجْلِ حُبِّكُمْ وَ أَهْجُرُ فَيْكُمُ أُسْرَتِي وَ بَنَاتِي...
أَلَمْ تَرَانِي مِنْ ثَلَاثِينَ حِجَّةً أَرْوُحُ وَ أَغْدُو دَائِمَ الْحَسَرَاتِ

(الخزاعي، ۱۴۱۵ق، ص ۶۳)

- صادقانه به سبب عشق به آنان، از هر چیزی گسستم و به آنان پیوستم و جان خویش را مطیعانه در کف [عشق] ایشان که سرور من هستند، نهادم.

- خداوند! معرفت مرا در عشق ایشان بیفزای و محبت آنان را در زمره کارهای نیک من قرار بده و بر آن بیفزای.

- تا سواره‌ای به حج خدای می‌رود و تا قُمری بر درختان نوحه‌سرایی می‌کند، بر آنان خواهم گریست.

- دوری از فرزندان و خویشان را به سبب عشق شما دوست دارم و به سبب شما خانواده و فرزندان را رها می‌کنم (سراغ شما می‌آیم).

- آیا نمی‌بینی که سی سال است که روز و شب بر من می‌گذرد و من در حسرت و اندوه دائم هستم.

عاطفه صادق و ژرف شاعران سوگوار اهل بیت (ع)، مرثیه‌های آنان را در زمره صادق‌ترین گونه‌های شعر درآورده است (ر.ک: الدیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۷-۵۷۸/ الرضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۷۸/ دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۷۵/ ابن الرومی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۶).

۲-۷. اسلوب خطابی

در دوره عباسی که عصر گرایش به منطق و عقل است، شاعران مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم‌السلام با استفاده از اسلوب خطابی، سعی در اقناع مخاطب، برانگیختن عاطفه و احساس او به حقوق غضب‌شده اهل بیت علیهم‌السلام و تشویق آنان به انتقام و نکوهش دشمنان داشته‌اند، و در این راه از بیشتر ابزارهای شعری - از جمله اسلوب خطابی - استفاده نموده‌اند.

مهیاری دیلمی با مخاطب قراردادن مردم، آنان را به اندیشه در سفارش پیامبر در مورد خلافت بعد از او، و عمل اصحاب سقیفه در هنگام غسل و کفن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دعوت می‌کند:

أَللّٰهُ يَاقَوْمُ يَقْضِي النَّبِيُّ
مَطَاعًا فَيُغْصَى وَ مَا غُصِّلَا
و يُوصِي فَنُخْرَصُ دَعَاوَى عَلِيٍّ
هِيَ فِي تَرْكِهِ دِينَهُ مُهْمَلَا
و يَجْتَمِعُونَ عَلَى زَعْوِهِمْ
و يُنْبِيكَ سَعْدٌ بِمَا أَشْكَلا

(الذّیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۱۵)

- ای مردم! شما را به خدا قسم، چگونه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که مورد اطاعت شما بود، همین‌که از دنیا رفت، پیش از اینکه به خاک سپرده شود، نافرمانی می‌کنید؟!

- و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش کرد. ما در مورد سفارش او ادعای دروغ کردیم و گفتیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جانشینی برای خود انتخاب ننموده و دینش را رها نموده است.

- و آنها به گمان خود [در مورد خلافت] اجتماع کردند، ولی [عدم مشارکت] «سعد بن عباد» (یکی از صحابه پیامبر که با خلفای بیعت نکرد) تو را از اشکال و نادرستی آن اجتماع باخبر می‌کند.

اسلوب خطابی در بیشتر مرثیه‌های این شاعران متعهد به کارگرفته شده است (ر.ک: دیک الجن، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵-۳۶ / الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۱ / الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۱ / الرّضی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۹).

۸-۲. به کارگیری الفاظ ساده، روان و شیوا

از برجسته ترین ویژگی های ظاهری زبان شعر شیعی و به دنبال آن رثای شیعی، کاربرد الفاظ و اصطلاحات ساده و روان است. این نوع از شعر با الفاظ مبهم و پیچیده و دور از ذهن، بیگانه است. از دلایل های این امر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) این شاعران بر آن بوده اند که با اشعار خود، دیدگاه ها و اعتقادات مذهب تشیع و چهره واقعی دشمنان را به عامه مردم بشناسانند، و این امر با کاربرد الفاظ سلیس و روان که برای توده مردم قابل فهم باشد، امکان پذیر بود. سید حمیری در پاسخ به پرسشی از بی اعتنایی خود به روش شاعران در کاربرد الفاظ و تعبیرهای غریب، آن را گونه ای ناتوانی و دشوارگویی می داند که درک آن برای همگان، امکان پذیر نیست: «ذَاكَ عَيٌّ وَ تَكَلُّفٌ مِّنِّي لَوْ فَعَلْتُهُ وَ قَدْ رَزَقَنِي اللَّهُ طَبْعًا وَ اتَّسَاعًا فِي الْكَلَامِ فَأَنَا أَقُولُ مَا يُفْهَمُهُ الصَّغِيرُ وَ الْكَبِيرُ وَ لَا يَخْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ» (الجمعی، ۱۹۱۳م، ج ۱، ص ۲۷۴).

(ب) آنان در سرودن اشعار و رثای مذهبی خود در پی چیرگی و برتری بر دیگر شاعران نبودند، بلکه هدف آنها پیام رسانی رسالت اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ از این رو الفاظی انتخاب می کردند که حفظ، انتشار و نقلش در محافل عمومی، آسان باشد.

(ج) موضوع اساسی این شعرها، از موضوع های ابتکاری بوده، در عصرهای پیشین ادب عربی، سابقه ای نداشته است. بنابراین، طبیعی می نماید که زبان و ساختار این شعر، جدید بوده، با زبان و ساختار شعر قدیم، متفاوت باشد (مختاری، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۷).

منصور نمری در رثای امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش، این گونه از اسلوبی روان استفاده می کند:

مَتَى يَشْفِيكَ دَمْعَكَ مِنْ هُمُولٍ	وَ يَبْرِدُ مَا بِقَلْبِكَ مِنْ غَلِيلٍ
أَلَا يَا رَبِّ ذِي حُزْنٍ تَعَايَا	بَصِيرٍ فَاسْتِرَاحَ إِلَى الْعَوِيلِ
قَتِيلٌ مَا قَتِيلُ بَنِي زِيَادٍ	أَلَا بِأَبَى وَ أُمَى مِنْ قَتِيلٍ...

(شبر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹)

- چه زمانی اشک تو با ریختن و جاری شدن تو را درمان می‌نماید؟ و سوز دلت، سرد و خنک می‌گردد؟ (یعنی اشک تو به واسطهٔ داغ حسین علیه السلام همیشه جاری خواهد بود و داغ دلت خاموش نخواهد شد).

- ای پروردگار من! به درد غم دیدگانی برس که صبرشان به سر رسیده است و فقط با گریه و شیون آرامش می‌یابند.

- کشته‌شده‌ای که با کشته بنی‌زید (عبیدالله) همانند نیست؛ پدر و مادرم، فدای این کشته باد. خواننده با مراجعه به این مرثیه‌ها زبان ساده و روان این شعرها به راحتی درک می‌کند (ر.ک: الحمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۶/ الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۴-۹۵/ الحمدانی، [بی‌تا]، ص ۲۰۱).

۲-۹. استفاده از صور خیال

این شاعران در مرثیه‌های خود با وجود کاربرد الفاظ ساده و روان، بر اساس هدف شعری و بیان اندیشهٔ خاصشان، در به کار بردن صنعت‌های ادبی مختلف نیز توانا بوده‌اند. چنین ساختاری، بیانگر توان شعری و ذوق ادبی آنان است. البته ناگفته نماند که صور خیال به کاررفته در این مرثیه‌ها، به دلیل‌هایی که در موضوع پیشین به آنها اشاره شد، به توان هنری شاعرانی همچون بحتری، متنبی و مانن ایشان نمی‌رسد؛ زیرا این شاعران در پی جلب خرسندی زرمدازان و زورمداران نبوده‌اند؛ بلکه بر این باور راستین بوده‌اند که رسالت شعر، هنرنمایی جاهلانه و سرگردانی در وادی‌های گمراهی و تفاوت میان گفتار و کردار نیست. هنری از دیدگاه ایشان ماندگار است که در خدمت رسالت دینی و بیانگر دردها، رنج‌ها و خواسته‌های دینی و اجتماعی مردم مسلمان باشد؛ برای نمونه، برخی از این شاعران متعهد، تشبیه‌های گویا و دلنشینی به کار برده‌اند که در نوع خود، ستودنی است. مهیار دیلمی، در تصویر زیر، بیهودگی کار بنی‌عباس را که به گمان خود می‌خواستند با ویران کردن قبر امام حسین علیه السلام، نام و راه

او را از ذهن‌ها و قلب‌ها پاک کنند، با آوردن «تشبیهی ضمنی»، این گونه به تصویر می‌کشد:

دَرَسُوا قَبْرَهُ لِيُخْفَى عَنِ الزُّوْ اِرْهِنَاهَا كَيْفَ يُخْفَى الْهَلَالُ

(الدّیلمی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۸۷)

– قبر او را خراب کردند تا از [چشم و دل] زائران پاک گردد؛ [غافل از اینکه] چگونه هلال ماه پنهان می‌گردد؟!

دیگر شاعران شیعی نیز در این زمینه، توانایی‌های شگرفی داشته‌اند (ر.ک: الرّضی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۱۷/ ابن الرّومی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۷/ الخزاعی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۵).

نتیجه

۱. رثای اهل بیت (ع) در عصر عباسی از گستردگی فراوانی برخوردار بوده است. این گونه شعری که از صادق‌ترین غرض‌های شعری به شمار می‌آید، برخاسته از عاطفه صادق و عشق درونی سرایندگان چنین سوگنامه‌هایی بوده است. این شعر متعهد از نظر محتوایی و ساختاری، دو مرحله تقلیدی و نوگرایی را سپری کرده است. در جنبه تقلیدی، حرکت شعر بر اساس مضمون‌ها و ساختارهای کلاسیکی عصر اسلامی و اموی در جریان است و در جنبه نوگرایی آن نیز، آفرینش مضمون‌ها و ساختارهای نوینی که برخاسته از گستردگی دانش شاعران و تأثیرپذیری از فرهنگ و تمدن جدید عباسی بوده است، دیده می‌شود.

۲. مضمون‌های برجسته رثای اهل بیت (ع) در این دوره عبارتند از: تفسیر حکیمانه و فلسفی شاعران از مرگ، حسرت و اندوه بر مصیبت‌ها و رنج‌های اهل بیت (ع)، پیوند شعر دینی و مدح و هجو و عتاب، بیان روشن فضیلت‌های اهل بیت (ع)، به‌ویژه مسئله ولایت و خلافت، تهدید دشمنان به انتقام و فراخوانی مردم به بیداری و آگاهی و پایداری و

در زمینه ساختاری نیز نوآفرینی‌های سبکی ممتازی دیده می‌شود: کاربرد استدلال و احتجاج در برابر دشمنان، بیان عاطفی - حماسی فضیلت‌های اهل بیت علیهم‌السلام، گرایش به اسلوب خطابی و استفاده از الفاظ روان و شیوا و

۳. آنچه در بررسی و تحلیل رثای اهل بیت علیهم‌السلام نیازمند پژوهش دیگری است، آسیب‌شناسی درست و روشمند این شعر متعهد است. پذیرش این دیدگاه که مضامین چنین شعرهایی، بخش‌هایی مقدس و ربّانی نیستند، ما را به ضرورت چنین پژوهشی و درک درست و قضاوت عادلانه نسبت به آن، یاری می‌نماید. مبالغه برخی شاعران در رثای اهل بیت علیهم‌السلام، برداشت نادرست برخی از مخالفان و شاعران از مفهوم تقیه، ستم تاریخ‌نویسان و تعصب منفی ایشان درباره جایگاه ارزشمند شعر شیعی، به کارگیری برخی صور خیال سطحی و بی‌مایه، تحریف و گم‌شدن برخی منابع شعری شاعران شیعی، اختلاف برخی از این مضامین با دیدگاه‌های قرآنی و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام و ... نمونه‌هایی از چنین آسیب‌هایی به شمار می‌آیند که نیازمند پژوهشی نوین است که نگارندگان این گفتار به آن، مشغول هستند.

منابع

• قرآن کریم.

۱. آئینه‌وند، صادق؛ ادبیات انقلاب در شیعه؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
۲. ابن طاووس الحسینی، علی بن موسی بن جعفر؛ **لهوف فی قتلی الطفوف**؛ مقدمه محمد صفی؛ قم: مرکز نشر کتب مذهبی، ۱۳۷۷ ق.
۳. ابن المعتز، ابوالعباس عبدالله؛ **دیوان ابن المعتز، دون ط**؛ شرح مجید طراد؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۴ ق.
۴. الاصفهانی، ابوالفرج؛ **الأغانی**؛ شرحه و کتب هوامشه؛ عبدالله علی مهنا؛ بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۷ ق.
۵. الأمين، السيد محسن؛ **درّ النضید فی المراثی السبط الشہید**؛ دمشق: طبعة الاتقان لصاحبها عارف الصوص، ۱۲۶۵ ق.
۶. حکیمی، محمدرضا؛ **ادبیات وتعهد در اسلام**؛ ج ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
۷. الحمدانی، ابوفراس؛ **دیوان، دون ط**؛ شرح و تقدیم: عباس عبدالستار؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۸. الحمصی، دیک الجن؛ **دیوان دیک الجن**؛ تحقیق و شرح: انطوان محسن القوال؛ الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۵ ق.
۹. الحمیری، السید؛ **دیوان السید الحمیری**؛ شرحه و ضبطه و قدم له: ضیاء حسین الاعلمی؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. الخزاعی، دعبل بن علی رزین؛ **دیوان دعبل**؛ شرحه و ضبطه و قدم له: ضیاء حسین الاعلمی؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. الدیلمی، مهیار؛ **دیوان مهیار الدیلمی**؛ شرحه و ضبطه: احمد نسیم؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. الرّضی، الشریف؛ **دیوان الشریف الرّضی**؛ شرح و علق علیه و ضبطه، قدم له: محمود مصطفی حلاوی؛ بیروت: شركة دارالارقم بن ابی الأرقم، ۱۴۱۹ م.

۱۳. سیاحی، صادق؛ **الأدب الملتزم بحب آل البيت**؛ تهران: سمت، ۱۳۸۲ش.
۱۴. شُبّر، جواد؛ **ادب الطف أو شعراء الحسين**؛ بيروت: دارالمرتضى، ۱۴۰۹ق.
۱۵. الشیاب، احمد؛ **تاریخ الشعر السياسي**؛ الطبعة السادسة، القاهرة: مكتبة المصرية، ۱۴۰۳ق.
۱۶. ضیف، شوقی؛ **الثناء: فنون الأدب العربی، الفن الغنائي**؛ الطبعة الرابعة، القاهرة: دارالمعارف، [بی‌تا].
۱۷. _____؛ **تاریخ الأدب العربی: العصر الإسلامي**، دون ط؛ القاهرة: دارالمعارف، [بی‌تا].
۱۸. القیروانی، ابوعلی الحسن ابن رشیق؛ **العمدة فی محاسن الشعروآدابه ونقده**؛ تحقیق: صلاح‌الدین الهواری و هدی عود؛ بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲م.
۱۹. مجلسی، محمدباقر؛ **بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار**؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. مختاری، قاسم؛ «سبک شعر متعهد شیعه و مقایسه آن با سبک شعری دیگر فرقه‌ها»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**؛ ش ۱۵۸-۱۵۹، ۱۳۸۰ش.